

جوابیه وزارت نفت^(۱)

در تاریخ ۷۸/۲/۱۳ مطلبی به قلم آقای فرشاد مومنی تحت عنوان «طرح‌های بیع متقابل و نگرانی‌های ملی» در روزنامه نشاط به چاپ رسیده و حاوی برخی نکات است که جا دارد مورد بررسی قرار گیرد.

«نگرانی‌های ملی» که عنوان مقاله به آن آراسته شده، در واقع چیزی نیست جز نگرانی از اجرای قانون بودجه سال ۷۷ و همان‌گونه که در مقدمه مقاله نیز به آن اشاره شده طرح‌های بیع متقابل دارای بودجه مصوب از طرف مجلس شورای اسلامی بوده و نشانگر پذیرش بدون نگرانی نمایندگان محترم مردم است و از آن‌جا که این قراردادها تصویب موردی شورای اقتصاد را به همراه دارد؛ تعبیر «نگرانی‌های ملی» موضوعیت نداشته و تنها می‌تواند به نگرانی‌های نویسنده محترم مقاله ارتباط داشته باشد.

در مورد ایراد «بسته عمل‌کردن و عدم اطلاع‌رسانی در مورد قراردادهای نفتی» ذکر مطالب زیر ضروری به نظر می‌رسد:

اگر روزنامه‌های تیرماه و شهریورماه ۱۳۷۷ مورد عنایت قرار می‌گرفت، مشخص می‌شد که وزارت نفت طی برگزاری همایش بین‌المللی چهار روزه در لندن همراه با کارگاه‌های توجیهی در بخش‌های مختلف حقوقی، مالی و فنی و پس از آن در همایش ملی به مدت سه روز در تهران و ارائه برنامه‌ای جامع نسبت به معرفی همه ابعاد قراردادها و طرح‌های بیع متقابل اقدام کرده و حضور چشمگیر جراید داخلی و خارجی در جریان همایش‌ها و برگزاری کنفرانس مطبوعاتی با حضور معاون وزیر نفت و مدیران شرکت ملی نفت ایران و

پاسخ‌گویی به همه سوالات، نمایی آشکار از انجام اطلاع‌رسانی فراگیر و بدون محدودیت برای آشنایی آحاد علاقه‌مندان به محتوای قراردادهای نفتی بوده است. به علاوه انتشار توضیحاتی دقیق راجع به همه طرح‌ها به صورت بروشور و انعکاس محتوای بروشورها در جراید کثیرالانتشار داخلی به‌طور روزانه نیز حرکت فوق را تکمیل نمود. بدیهی است اگر انتظار این باشد که دقایق مالی ویژه هر قرارداد که می‌تواند غیر از مردم، مخاطبین غریبه (و نامحرمی) نیز داشته و قدرت چانه‌زنی و امکان حفظ حقوق و منافع ملی را در قراردادهای بعدی از ما سلب نماید، منتشر شود، انتظاری است خارج از عرف و غیرقابل قبول. آیا به‌راستی سراغ داریم نقطه‌ای از جهان را که قراردادهای تجاری شرکت‌های خود را در تابلوی اعلانات نصب و یا در رسانه‌های عمومی اعلام نمایند؟ معلوم است که فرایند تنظیم قراردادها و جزییات فنی و حقوقی آن بایستی متناسباً جهت تصویب‌خواهی به اطلاع مسوولین (در قوای مقننه و مجریه) به نمایندگی از مردم برسد، که این کار در تمام مراحل انجام شده و می‌شود.

در قسمتی از این یادداشت آمده است: «آیا دست‌اندرکاران و مجریان پروژه‌های بیع‌متقابل از صلاحیت و اشراف فنی و علمی لازم (جهت عقد قراردادهای نفتی) برخوردارند؟» و در جای دیگر (بند ۵ مقاله، که احتمالاً از متن یکی از نشریات خارجی ترجمه شده) آورده‌اند: «تعداد زیادی تیم مذاکره‌کننده با ترکیب افراد مجرب برای عقد قراردادهای بیع‌متقابل مورد نیاز است». نویسنده با نقل چنین موضوعی تلویحاً خاطر‌نشان کرده است که اکنون شرکت ملی نفت ایران دارای چنین ترکیبی که بتواند قراردادهای نفتی را بر مبنای حفظ منافع ملی منعقد کند، نیست! در این زمینه دو نکته قابل توجه است:

نکته اول این که ایشان احتمالاً تحت تأثیر تحلیل نشریه «میس»، طرح اصلاح ساختار وزارت نفت را به رهنمودی از سوی شرکت‌های نفتی ارتباط

داده‌اند و در نتیجه با بی‌انصافی توانایی‌های نخبگان و کارشناسان نفتی کشور را زیر سوال برده‌اند. کاری که نه تنها می‌تواند باعث دلسردی کارشناسان داخلی و تضعیف موقعیت ایشان در مذاکره با شرکت‌های خارجی شود، که متأسفانه نوعی خودکم‌بینی و ایضاً بزرگ‌بینی دیگران را، از جانب نویسنده حکایت می‌کند.

نکته دوم این که صنعت نفت کشورمان با حدود ۹۰ سال تجربه و پیشرو در راه‌اندازی واحدهای عملیاتی، بازرگانی و حقوقی نفت، ریشه‌دار و پرسابقه‌تر از آن است که این‌گونه نگرانی‌ها را، آن هم بدون استناد به نمونه‌ای خاص در مورد عملکرد آن مطرح نماییم. واقعاً این‌گونه اظهار نظرها جز توهین به نیروهای متخصص و کارآمد که در طول دو دهه پس از انقلاب آزمون خود را پس داده‌اند، چیست؟ و راستی اگر متخصصین و کارشناسان مجرب در مسایل فنی و حقوقی صنعت نفت در وزارت نفت وجود ندارند پس در کجا باید سراغ آنان را گرفت؟ همچنین جای این پرسش وجود دارد که بحث اصلاح ساختار وزارت نفت که در جهت افزایش بهره‌وری، تمرکززدایی و تفویض اختیار از ابتدای کار دولت جدید مطرح بوده و مربوط به تاریخ مورد اشاره در مطلب ایشان نمی‌شود، پس با چه توجیهی به موضوع قراردادها ربط داده شده است؟

در قسمتی از یادداشت ایشان کاهش تولید اعضای اوپک ناکافی و در حدود ۴ میلیون بشکه ذکر شده که رقم صحیح آن ۵ میلیون بشکه در روز است و نیز با اعلام این‌که: «انتظار نمی‌رود قیمت‌های نفت در آینده افزایش یابند»، ضرورت انجام سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفتی کشور زیر سوال برده شده است.

در پاسخ باید گفت: نویسنده محترم قضاوتی زودهنگام و انفعالی ارایه داده‌اند که می‌تواند ناشی از دوری ایشان از مقوله پیچیده بازار نفت و واقعیت‌های آن و ارایه تحلیلی غیرواقعی از وقایع و روند آتی بازار نفت بوده و

نگاه این چنین به بازار نفت نمی‌تواند یک نگاه درازمدت و حتی میان‌مدت به این بازار باشد.

سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز که برای اکتشاف ذخایر جدید و یا توسعه مخازن نفتی و گازی اکتشاف شده صورت می‌پذیرد یک مسأله میان‌مدت و بلکه بلندمدت می‌باشد، در صورتی که تغییرات قیمت نفت که یک موضوع کوتاه‌مدت است؛ بنابراین نمی‌توان بر اساس برآورد قیمت نفت برای یکی دو سال، استراتژی نفتی خود را تغییر داده، به‌ویژه این‌که ما در منطقه‌ای قرار گرفته‌ایم که هزینه نهایی تولید هر بشکه نفت پایین و درآمد نهایی آن با توجه به بازده بالای مخازن نفتی بالا است و اصولاً پروژه‌های نفتی بر اساس قیمت‌های انتظاری ارزیابی می‌گردند نه بر اساس قیمت‌های جاری. آنچه از بازار نفت مشاهده می‌شود، همکاری خوب اعضای اوپک در جهت کاهش عرضه است، که با هماهنگی سیاست‌های نفتی ایران، عربستان و ونزوئلا می‌توان نسبت به قیمت‌های بهتر در آینده امیدوار بود. در این خصوص منابع معتبر مطالعاتی در جهان متفق‌القول‌اند که پس از سال ۲۰۰۰ میلادی قیمت‌های نفت بهبود بیشتری خواهد یافت و نکته‌ای که متأسفانه در یادداشت ایشان فراموش شده نقش راهبردی توسعه ظرفیت تولید نفت برای ما و تأثیر آن در استفاده از فرصت‌های آتی و حفظ سهم مناسب تولید کشورمان در چارچوب توافقات سازمان اوپک می‌باشد که با توجه به مؤلفه‌های مختلف امنیت ملی و تضمین توسعه درون‌زا و ایجاد تعادلی پویا و سازنده در قوای سیاسی-اقتصادی در منطقه پرمخاطره خاورمیانه رابطه مستقیم دارد.

در قسمت دیگری از مطلب منتشره به لزوم سرمایه‌گذاری بر روی جایگزینی گاز اشاره شده که لازم است یادآور شویم: یکی از پروژه‌های بیع‌متقابل، طرح پارس جنوبی است که اساساً در همین راستا توسعه یافته و در

برنامه انجام آن ضمن استفاده از مخزن مشترک - بزرگ‌ترین ذخیره‌گازی جهان - می‌تواند گاز استحصالی را برای مصرف در شبکه داخلی و صادرات تولید نماید.

برنامه تولید و هزینه‌های تولید پروژه نفتی که نویسنده به آن اشاره کرده از مباحث پیچیده‌ای است که در متن قرارداد به صورت دقیق به آن توجه می‌شود. از سوی دیگر هزینه‌های تولید از میادین دریایی و خشکی در مناطق مختلف با توجه به سابقه طولانی صنعت نفت در دنیا و ایران در هر منطقه متناسب با شرایط مخزن، قابل پیش‌بینی و دارای دامنه مشخصی است. برای نمونه مطالعات زیادی در زمینه تخمین هزینه‌های توسعه در میادین خلیج فارس صورت گرفته است که پس از اتمام کار مرحله توسعه هر میدان و رسیدن حوزه نفتی یا گازی به تولید، کاملاً قابل محاسبه است. در عین حال در قراردادهای بیع متقابل پس از آن‌که هزینه‌های انجام شده توسط پیمانکار بررسی، کنترل و حسابرسی شد باید به تأیید کارفرما (شرکت ملی نفت ایران) برسد. بنابراین، علی‌رغم نظر نویسنده محترم هزینه‌ها به هیچ وجه خارج از کنترل نیست.

در بخشی از یادداشت آمده است: «غالب مطالعات انجام شده در مورد مخازن نفت ایران مطلوب بودن تزریق آب به این مخازن به منظور افزایش ضریب بازیافت را مردود می‌دانند»؛

اولاً معلوم نیست این مطالعات در کجا تهیه و مکتوب شده و چگونه در اختیار ایشان قرار گرفته که کارشناسان ارشد مخازن به ویژه متخصصین شبیه‌سازی مخازن با سال‌ها تجربه از آن‌ها بی‌خبرند و ثانیاً انتخاب آب یا گاز و یا سیالات دیگر برای تزریق جهت افزایش ضریب بازیافت مخازن بسته به نوع ساختار زمین‌شناسی، دسترنسی سیال، هزینه‌های تزریق و جمع‌آوری و ده‌ها عامل دیگر از هر میدان نفتی نسبت به میدان دیگر متفاوت بوده و این‌گونه حکم

صادر نمودن در مورد کل مخازن نفتی کشور یک اشتباه فاحش فنی از سوی نگارنده‌ای است که خود نگران عدم برخورد تخصصی و فنی با این پروژه‌ها است و قابل تأمل این‌که در میادین دریایی مورد اشاره در یادداشت ایشان تزریق گاز و آب به‌طور توأمان پیش‌بینی شده است.

در پایان ذکر این نکته لازم است که وزارت نفت از هر گونه بحث و بررسی پیرامون مسایل بخش نفت و گاز استقبال می‌نماید، چراکه نفت و گاز در اقتصاد ایران نقشی بنیادی دارد، اما بر این امر نیز تأکید می‌شود که ورود به موضوع باید متکی بر اطلاعات لازم، دقیق و در چهارچوب منافع ملی باشد. روابط عمومی وزارت نفت آمادگی کامل خود را جهت همکاری با محققان و تحلیل‌گران، خصوصاً همکاران مطبوعاتی جهت تبادل نظر و ارزیابی اطلاعات لازم اعلام می‌دارد و امیدوار است که در سایه این همکاری شاهد تحلیل‌های دقیق و واقعی از امور نفت و گاز کشورمان باشیم.

نگرانی‌های ملی در عرصه نفت جدی است^(۱)

در تاریخ ۱۳ اردیبهشت‌ماه مقاله‌ای از من در روزنامه «نشاط» به چاپ رسید که عنوان آن «قراردادهای بیع متقابل و نگرانی‌های ملی» بود.

در آن مقاله به ابعاد اهمیت مجوزهای قانونی که در اختیار وزارت نفت قرار گرفته نیز احتمال انجام برخی اقدام‌های فراتر از قانون اشاره شده بود و مقاله تصریح داشت که هرگونه غفلت یا سهل‌انگاری موجب خواهد شد که کشور تا سال‌های سال تاوان اشتباهات و خطاهای محتمل الوقوع را بپردازد و برای اجتناب از آن نیز توصیه شده بود که وزارت نفت قدری با علاقه‌مندان، صاحب‌نظران و کارشناسان ملی «باز» تر برخورد کند و اطلاعات بیشتری درباره مفاد قراردادهای و تعهداتی که گریبانگیر ملت و آینده کشور شده و می‌شود ارائه نماید.

محورهای اصلی استدلال‌ها برای ابراز نگرانی عبارت بودند از این‌که: در مجموع رقمی «بیش از» ۴ میلیون بشکه کاهش تولید را اوپک ظرف یک‌سال گذشته تجربه کرده که سهمی بالغ بر ۵۵۰ هزار بشکه در روز مربوط به ایران بوده است. بنابراین نباید شتابزده و به هر قیمت ظرفیت‌سازی کرد به‌خصوص با توجه به این‌که نسبت به بازپرداخت تعهدات ایران در دوره بازگشت سرمایه نیز چشم‌انداز روشنی در اختیار نیست. سپس با استناد به برخی قرائن اظهار شده بود که در قراردادهای پارس جنوبی و سیری «A» و «E» امتیازات ویژه‌ای به طرف خارجی داده شده که احتمال تعمیم آن به سایر قراردادهای وجود دارد و با توجه به کثرت قراردادهای در دست مذاکره سوال شده بود که آیا ما تیم‌های مجرب فنی - حقوقی - اقتصادی برای مذاکره همراه با حفظ منافع ملی در اختیار

داریم؟ و به عنوان یک مصداق از نگرانی‌ها به مطالبی که در نشریه‌های تخصصی نسبت به نحوه بهره‌برداری از مخازن نفتی در قرارداد منعقدۀ با شرکت‌های «الف» و «انی» مطرح بود اشاره کرده بودیم و در انتها نیز جمع‌بندی این بود که: گشودگی و اطلاع‌رسانی در این زمینه عرصه را برای نقد و بررسی و گفت‌وگو و کنکاش صاحب‌نظران با نمود و منشاء کاهش خطرات، افزایش قدرت چانه‌زنی و دست‌یابی به تضمین بیشتر برای منافع ملی خواهد شد. نزدیک به ۵۰ روز بعد یعنی در تاریخ ۷۸/۳/۳۱ روزنامه نشاط اقدام به چاپ جوابیه‌ای از سوی روابط عمومی وزارت نفت نمود که در تاریخ ۳/۲۶ برایشان ارسال شده بود و مهم‌ترین فرازهای آن به شرح زیر است:

«نگرانی‌های ملی که عنوان مقاله به آن آراسته شده در واقع چیزی نیست جز نگرانی از اجرای قانون بودجه سال ۷۷ ... [در حالی که] طرح‌های بیع متقابل دارای بودجه مصوب از طرف مجلس شورای اسلامی بوده و نشانگر پذیرش بدون نگرانی نمایندگان محترم مردم است»

همایش بین‌المللی ۴ روزه وزارت نفت در لندن ... همایش ملی سه‌روزه در تهران ... انتشار بروشور راجع به همه طرح‌ها ... و اطلاع‌جزییات فنی - حقوقی آن به مسوولان قوای مقننه و مجریه ... حاکی از اطلاع‌رسانی در تمام مراحل است ... بند ۵ مقاله [طرح‌های بیع متقابل و نگرانی‌های ملی] که احتمالاً از متن یکی از نشریات خارجی ترجمه شده ... تلویحاً خاطر نشان کرده است که شرکت ملی نفت ایران دارای چنین ترکیبی که بتواند قراردادهای نفتی را بر مبنای حفظ منافع ملی منعقد کند، نیست ... با بی‌انصافی توانایی نخبگان و کارشناسان نفتی کشور را زیر سوال برده‌اند. کاری که نه تنها می‌تواند باعث دلسردی کارشناسان داخلی و تضعیف موقعت ایشان در مذاکره با شرکت‌های خارجی شود که متأسفانه نوعی خودکم‌بینی و بزرگ‌بینی دیگران را از جانب نویسنده حکایت

می‌کند... کاهش تولید اوپک ناکافی و در حدود ۴ میلیون بشکه ذکر شده که رقم صحیح آن ۵ میلیون بشکه در روز است... نویسنده با اعلام این‌که انتظار نمی‌رود قیمت‌های نفت در آینده افزایش یابند... قضاوتی زودهنگام و انفعالی انجام داده... منابع معتبر مطالعاتی در جهان متفق‌القولند که پس از سال ۲۰۱۰ میلادی قیمت‌های نفت بهبود بیشتری خواهند یافت... علی‌رغم نظر نویسنده محترم هزینه‌ها [در قراردادهای بیع متقابل] به‌هیچ‌وجه خارج از کنترل نیست... در بخشی از یادداشت آمده است: غالب مطالعات انجام شده در مورد مخازن نفت ایران مطلوب بودن تزریق آب، به این مخازن را مردود می‌دانند... معلوم نیست این مطالعات در کجا تهیه و مکتوب شده و چگونه در اختیار ایشان قرار گرفته که کارشناسان ارشد مخازن به‌ویژه متخصصین شبیه‌سازی مخازن با سال‌ها تجربه از آن‌ها بی‌خبرند... روابط عمومی وزارت نفت آمادگی کامل خود را جهت همکاری با محققان و تحلیل‌گران خصوصاً همکاران مطبوعاتی جهت تبادل نظر و ارائه اطلاعات لازم اعلام می‌دارد...

به نظر می‌رسد که در پاسخ به اظهارات روابط عمومی وزارت نفت ابتدا می‌بایست از سه جهت از ایشان تقدیر و سپاسگزاری شود، نخست به واسطه این‌که بالاخره پس از نزدیک به ۵۰ روز خود را ملزم به پاسخ‌گویی درباره یک مسأله به غایت بااهمیت درباره سرنوشت امروز و فردای ایران نمودند و هر چند که این پاسخ را با انواع توهین‌ها و تهمت‌ها و توپ و تشر و تهدیدهای صریح و تلویحی همراه ساخته‌اند که امیدوارم استمرار این گفت‌و شنودها اینان را از تمسک به این رویه‌ها به تدریج مستغنی سازد.

تشکر دوم مربوط می‌شود به اعلام آمادگی ایشان برای تبادل نظر و ارائه اطلاعات لازم با ذکر این امیدواری که قید لازم مورد استفاده ایشان ناظر بر مصالح ملی باشد و نه چیز دیگر! که این در واقع گوهر اصلی مقاله قراردادهای

بیع متقابل و نگرانی‌های ملی بوده است و ملتزام عملی روابط عمومی وزارت نفت به این مسأله هدف اصلی انتشار آن مقاله را ان شاء... برآورد خواهد ساخت. جهت سوم قدردانی ناظر بر گشوده شدن ابعاد دیگری از عملکرد وزارت نفت است که بهانه آن را حاشیه‌روی‌های جوابیه روابط عمومی فراهم ساخته و از خداوند متعال می‌خواهیم که مسایل جدیدی را نیز که مطرح می‌کنم مایه انجام اصلاحات و تصحیح‌ها در عرصه‌های مطرح شده قرار دهد.

اما پاسخ‌های اینجانب به جوابیه روابط عمومی وزارت نفت: همان‌گونه که ملاحظه گردید، اولین فراز از پاسخ وزارت نفت، ناظر بر این ادعاست که به واسطه این‌که در قانون بودجه سال‌های ۷۷ و ۷۸ مجوز لازم برای قرارداد بیع متقابل را داده است، هر گونه ابراز نگرانی نسبت به این مسأله را می‌بایست نگرانی شخصی قلمداد نمود، در حالی که مضمون و محتوای مقاله طرح‌های بیع متقابل و نگرانی‌های ملی ناظر بر اصل قراردادهای مزبور نبود. بلکه عمدتاً به برخورد شتابزده و نیز امتیازهای احتمالی غیرمتمعارفی که از طریق نحوه اجرای مصوبه مجلس به بیگانگان داده می‌شد ابراز نگرانی شده بود. بنابراین، باید پذیرفت که با توجه به اهمیت مسایل نفت در سطح ملی و نیز آثار و پیامدهای نحوه عملکرد وزارت نفت به درستی می‌بایست، سخن از نگرانی‌های ملی به میان آورد. در این جا برای این‌که خاطر مسوولان محترم وزارت نفت و نیز روابط عمومی آن وزارتخانه اطمینان یابد که اولاً نگرانی به واقع یک نگرانی ملی است و ثانیاً این نگرانی ملی بسیار جدی است، توجه تمام دلسوزان و مسوولان اقتصاد ملی را به دو نکته جلب می‌نماید: نکته اول به تصریح نشریه مشعل به «شرایط ویژه» قرارداد توتال مربوط می‌شود که با توضیحات جنبی آن نشریه، معنایی جز اعطای امتیازات ویژه‌ای برای شرکت توتال ندارد و نکته دوم به مندرجات گزارش شماره ۱۵ از سلسله گزارش‌های معاونت پژوهشی مرکز

پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ مربوط می‌شود. در صفحه اول این گزارش که در دی‌ماه سال ۱۳۷۷ انتشار یافته تحت عنوان «نکات برجسته» آمده است که مقایسه ارقام سرمایه‌گذاری اولیه پیش‌بینی شده برای طرح‌های بیع متقابل وزارت نفت با ارقام بازپرداخت غالباً ضریب ۲ برابر را به دست می‌دهد. به عبارت دیگر برای حدود ۱۵ میلیارد دلار هزینه سرمایه‌گذاری بازپرداخت مربوطه بالغ بر بیش از ۲۹ میلیارد دلار می‌گردد که از تناسب لازم و مطلوب برخوردار نیست و ادامه داده است که پیشنهاد می‌شود که در مورد برآورد هزینه و درآمد این طرح‌ها در نهایت توجیه فنی و اقتصادی طرح‌ها ضوابط اقتصادی مهندسی، به شکل متعارف آن رعایت شود و در صورت لزوم از مهندسان مشاور داخلی و بین‌المللی آگاه و مجرب استفاده شود تا منافع شرکت ملی نفت و جامعه به نحو مطلوب تأمین شود.

همچنین در ادامه مطلب آمده است که با توجه به طرح‌های مصوبی که طی سال‌های اخیر، در قالب بیع متقابل، تأمین اعتبار گردیده‌اند، مجموعه رقم اعتبارات خارجی تخصیص یافته، به طرح‌های بخش نفت و گاز، طی برنامه دوم، ۳۸۳۴۰ میلیون دلار بالغ خواهد گردید که بیش از ۷ برابر سقف مصوب در قانون برنامه دوم است. ملاحظه می‌شود که هم در اسناد منتشره از سوی وزارت نفت و هم مجلس شورای اسلامی علاوه بر آن‌که اصل نگرانی را به جانشان می‌دهد، ابعاد دیگری از نگرانی‌هایی را که همگی مضمون و محتوای «ملی» و نه «شخصی» دارند، به صراحت ذکر نموده‌اند و چشم‌اندازهای خطرناکی که تداوم روندهای موجود عملکرد وزارت نفت در این زمینه اقتصاد ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ایجاب می‌نماید که در این‌جا، در درجه اول، از ریاست محترم جمهور، تقاضا کنم که با گماردن اشخاص صاحب صلاحیت و افزایش ضریب کنترل و نظارت خود بر روی این مسأله، از استمرار این وضعیت ناهنجار،

جلوگیری نمایند و با تکیه به آرا و نظارت اشخاص خبیر و بصیر و در راستای مسوولیت ریاست قوه مجریه و به عنوان کسی که بر عملکرد کلی دولت وی بیم ورود خدشه‌ای بزرگ می‌رود، مجموعه اصلاحات پیش‌گیرنده روندهای موجود و سازنده را در دستور کار قرار دهند و در درجه بعدی از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی می‌خواهم که به وظیفه نظارتی خویش، در این زمینه با جدیت و تأمل بیشتری بپردازند.

فراز بعدی پاسخ روابط عمومی وزارت نفت ناظر بر این ادعاست که فرایند تنظیم قراردادهای و جزییات فنی و حقوقی آن بایستی متناسباً جهت تصویب‌خواهی به اطلاع مسوولان قوای مقننه و مجریه به نمایندگی از مردم برسد که این کار در تمام مراحل انجام شده می‌شود. در پاسخ به این فراز باید گفت که بسیار باعث تأسف است که در حالی که ریاست محترم جمهور به صراحت هنگام عرضه کلیات طرح ساماندهی اقتصاد کشور از «بیمار بودن» اقتصاد ایران، سخن به میان می‌آورند و در حالی که یکی از محورهای اصلی طرح ساماندهی اقتصاد کشور، اصلاح نظام تصمیم‌گیری آن بوده است و به همین خاطر برای اولین بار در طی چند ساله گذشته، طرح ساماندهی علاوه بر کانال‌های رسمی در معرض ارزیابی کارشناسان و اندیشمندان خارج از قلمرو رسمی تصمیم‌گیری نیز قرار داده شد و اکنش یکی از اجزای دولت، در برابر یک نقد مشفقانه این‌گونه باشد و با تهدید و توهین تلویحی سخن از بی‌انصافی و زیرسوال رفتن کارشناسان نفتی کشور و تضعیف موقعیت ایشان در مذاکره با شرکت‌های خارجی به میان آید. باید بگویم اینجانب تردیدی ندارم که در مجموعه وزارت نفت کارشناسان بسیار دلسوز و آگاه وجود دارند. اما وقتی به برآیند «عملکرد وزارت نفت در زمینه بیع متقابل» به شرحی که گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، آورده است می‌نگرم از خود سوال می‌کنم آیا واقعاً

کارشناسان شایسته موجود در وزارت نفت به‌نحو موثری در تصمیمات مشارکت دارند؟

آیا می‌توان تصمیماتی را که از یک سو کشور را با تعهدات بسیار غیرمتعارف و نگران‌کننده درگیر می‌سازد و از طرف دیگر با «قانون» برنامه مغایرت دارد را به این کارشناسان نسبت داد؟ و اگر پاسخ احیاناً مثبت باشد آیا معنای آن نیازمندی شدید وزارت نفت به کمک‌های بیشتر کارشناسان دانشگاهی نیست؟ آیا اگر کسی به اعطای امتیازات غیرمتعارف به یک شرکت خارجی اعتراضی کرد و با انتشار آخرین شماره «مجلس و پژوهش» مطلع شد که این امتیازها «به‌نحو شگفت‌انگیزی به همه طرح‌های بیع متقابل تسری داده شده است». [صفحه ۱۱۹ بخش گزارش ویژه] می‌بایست به «خودکم‌بینی» و «بزرگ‌بینی دیگران» متهم شود؟ به نظر می‌رسد برای پاسخ‌گویی به این قبیل سوالات و برخی دیگر از ادعاهای روابط عمومی وزارت نفت، مروری بر مطالب مندرج در گزارش ویژه نشریه شماره ۲۷ مجلس و پژوهش خالی از لطف نباشد زیرا به‌خصوص در صفحات ۱۰۸ تا ۱۱۰ آن هم به ارزش کارشناسی این طرح‌ها و هر میزان «اطلاع‌رسانی» وزارت نفت اشارات جالبی شده است. در این گزارش ذیل عنوان ضرورت تدوین و ارایه و تصویب استراتژی نفت مقدم بر تصویب طرح‌ها آمده است:

در مقدمه گزارش وزارت نفت، به جلب سرمایه‌های خارجی و لزوم استفاده از آن‌ها به منظور ظرفیت‌سازی اشاره شده است، لکن نسبت به تدوین استراتژی مشخصی که به صورت جامع منافع درازمدت کشور را تأمین نماید، هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده و بدون داشتن حدود و ثغوری بر نیاز توسعه میادین و حجم تولید مورد نیاز و منابع آن صرفاً به ارایه مجموعه‌ای در قالب ۲۹ طرح که برخی از آن‌ها خود نیز در فازهای مختلف بر چندین طرح شمول دارند، در قالب یک

بند از یک تبصره در لایحه بودجه سالانه بسنده شده است.

لذا، بدون ارایه چارچوبی حتی مختصر از فضای بین‌المللی بازار نفت طی دهه‌های آینده و نقش و جایگاه ایران و تولید آن در عرضه و تأمین نفت جهانی مبتنی بر اولویت سرمایه‌گذاری‌های ملی و شیوه‌های جذب سرمایه و تأمین منابع مالی خارجی و هزینه‌های مربوطه و انتخاب بهترین شیوه از لحاظ اقتصادی در سطوح مختلف تولید، هرگونه ارزیابی و تصمیم‌گیری در این خصوص با توجه به محدودیت زمانی مربوط به بررسی بودجه سالانه آثار سوء درازمدتی در بر خواهد داشت. در این خصوص پیشنهاد این است که وزارت نفت استراتژی و اهداف و برنامه‌های افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز همراه با اولویت‌بندی طرح‌ها را مدون و جهت بررسی به مجلس ارایه نماید. تنها در این بستر و با شناخت این افق است که دستگاه قانونگذاری کشور می‌تواند نسبت به ارزیابی و تصویب برنامه‌هایی این‌چنین سرنوشت‌ساز در حوزه اقتصاد و سیاست کشور تصمیم‌گیری نماید. با عنایت به طولانی‌بودن دوره اجرایی و بهره‌برداری و تعهدات ناشی از آن که به مراتب بیش از یک دوره وزارت و نمایندگی مجلس است و ماهیت استراتژیک این تصمیمات، تدوین و ارایه استراتژی نفت را مقدم بر تصویب طرح‌ها به صورت مجزا، به اضعاف مضاعف ضروری می‌سازد در قسمت دوم این گزارش نیز مطالب ریزی درباره قراردادهای مزبور به شرح زیر آمده است:

طرح مجموعه اصولی شامل ۱۲ مورد نظیر حفظ حاکمیت ملی بر منابع نفت و گاز کشور که در پیوست شماره یک ارایه می‌گردد، به عنوان نقاط قوت قراردادهای بیع‌متقابل عنوان شده است. به طور کلی بررسی این اصول از دو زاویه ضروری است. نخست از بعد نظری و دوم تطبیق اصول نظری اعلام شده با قراردادهای منعقد. نظر به محدودیت زمانی و این‌که در حال حاضر نمونه‌ای

از قراردادهای منعقدۀ در اختیار این مرکز نیست، منحصرأً برخی از اصول مطرح‌شده و انتقادات موجود بر قراردادهای بیع متقابل به طور اجمال مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد:

۱- در رأس ویژگی‌های قراردادهای بیع متقابل نفت، حفظ حاکمیت ملی بر این منابع اعلام شده است. مروری بر مکانیزم‌های تدوین، تصویب و اجرای این قراردادها به‌ویژه در ابعاد خرد و جزء به جزء نشان از اعمال حق حاکمیت ملی و اقتدار دولت صرفاً به عنوان یک کارفرما دارد. معهدا در حوزه عمل و پس از تکمیل طرح‌ها و آغاز بهره‌برداری، تعهدات ناشی از این قراردادها که از پشتوانه حقوق بین‌الملل نیز برخوردارند، اعمال حق حاکمیت را در کمیت تولید و برداشت و صدور و فروش آن مخدوش می‌کند. اجبار به تولید و فروش محصول به‌ویژه با شرط مندرج در بند ۱ ردیف «ل» تبصره ۲۹ مبتنی بر واریز حداقل ۴۰ درصد عواید طرح در دوره بازپرداخت به حساب درآمد عمومی کشور و ۶۰ درصد به پیمانکار عملاً تنها صورتی از حقوق حاکمیت ملی را باقی می‌گذارد و نافی محتوی قدرت حاکمیت دولت در کمیت تولید، صادرات و فروش محصول است. این موضوع با نفی حاکمیت ملی بر منابع نفت و گاز کشور به‌ویژه زمانی چهره می‌نماید که مجموعه این طرح‌ها با تعهداتی ارزی به‌میزان نزدیک به ۴۰ میلیارد دلار بر اقتصاد کشور فشار وارد آورد و بازار بین‌المللی نفت نیز با اشباع عرضه نفت مواجه بوده و قیمت‌ها در سطح پایینی باشند. مصداق بارز این امر، کشور ونزوئلا است که در بحران اخیر قیمت نفت و ضرورت کاهش سهمیه تولید، عمدتاً به دلیل قراردادهای مشارکت عملاً از تبعیت از اوپک حتی در جهت منافع خود بازماند و به تخلف از سهمیه در درون اوپک مشهور شد.

۲- در گزارش وزارت نفت عنوان شده است که در بیع متقابل تمام

سرمایه‌گذاری توسط شرکت‌های طرف قرارداد انجام می‌گیرد، ولی باید دانست که پیمانکار هزینه لازم را از طریق اخذ وام از منابع مالی بین‌المللی به دست می‌آورد که لازمه آن پرداخت هزینه کارسازی تأمین مالی از سوی مملکت به شرکت‌های پیمانکاری علاوه بر هزینه‌های دیگر نظیر کارمزد وام و نرخ بهره مورد توافق است که مجموع هزینه‌های پرداختی را به طور غیرمعارف به چیزی حدود ۲ برابر هزینه خالص می‌رساند.

۳- از جمله نقاط ضعف قرارداد بیع متقابل آن است که مکانیسم عمل در این قرارداد به گونه‌ای است که هر چه هزینه سرمایه‌گذاری بالاتر باشد، منافع پیمانکار بیشتر است و این مکانیسم باعث می‌شود تا طرف دوم قرارداد به کاستن و حداقل نمودن هزینه تمایلی نشان ندهد.

۴- از نقاط ضعف دیگر قرارداد بیع متقابل، عدم حساسیت پیمانکار در طولانی‌تر شدن دوره اجرای پروژه است. حتی افزایش عامل زمان می‌تواند نقش موثری در بالابردن میزان سوددهی برای شرکت‌های طرف قرارداد باشد. در همین رابطه طولانی‌شدن دوره بازپرداخت با توجه به نرخ بهره‌ای که منظور خواهد شد، ضرر و زیانی جدی برای پیمانکار ایجاد نمی‌کند.

۵- عدم انتقال تکنولوژی‌های نوین در شیوه‌های قراردادی بیع متقابل وزارت نفت یکی دیگر از مشکلات این قراردادهاست زیرا هیچ‌گونه انگیزه‌ای برای شرکت‌های پیمانکار در این نوع قراردادها برای انتقال تکنولوژی وجود ندارد و این موضوع در گزارش وزارت نفت نیز به نحوی تأیید شده است. حال آن‌که مهم‌ترین معضل ساختاری صنعت نفت ایران به‌ویژه در دو دهه اخیر پس از ۸۵ سال سابقه صنعت نفت، ضعف تکنولوژی بوده است. به هر حال این نوع شیوه قراردادی نظیر قرارداد توتال هیچ‌گونه گشایشی در رفع این معضل نخواهد کرد.

در خاتمه باید بگویم که روابط عمومی وزارت نفت با پاسخ خود به مقاله اینجانب گام اول را برای «پاسخ‌گویی» دولت در این حوزه استراتژیک برداشته است. از این بابت مجدداً مراتب تقدیر خود را اعلام می‌دارم اما ناگزیر از طرح یک مطلب مشفقانه دیگر نیز هستم و آن هم «ضرورت توجه به اخلاقیات پاسخ‌گویی» است.

در این پاسخ علاوه بر چند توهین آشکار و تهدید تلویحی، ابزارهای دیگری نیز به کار گرفته شده است که شایسته دولت خاتمی نیست و امیدوارم تمرین پاسخ‌گویی منجر به کنارگذاشتن آن ابزارها نیز بشود و به این امید حتی از بازکردن آن‌ها هم خودداری می‌کنم و نویسندگان محترم آن جوابیه خود بهتر از هر کسی می‌دانسته که منظور من کدام قسمت‌هاست و ان‌شاء... دیگر تکرار نمی‌کنند. همه ما نیک به یاد داریم که در دوران اسفبار و خسارت‌بار تعدیل ساختاری، مدیریت وقت همه نقدهای دلسوزانه و مشفقانه را با انگ‌هایی چون «تنگ‌نظری»، «غرض‌ورزی» و... مورد خطاب قرار می‌داد و محتوای نقدها را نیز مایه «خالی‌شدن» دل مردم، تشویش اذهان عمومی و... می‌دانست و اظهار نگرانی نسبت به سرانجام برنامه‌های شکست‌خورده و تقلیدی را نیز به خودکم‌بینی و دست‌کم‌گرفتن کارشناسان و سیاست‌گذاران دستگاه‌های اقتصادی کشور را منزوی یا ناگزیر از خروج از «خانه» خود می‌کردند. نتیجه آن رویکرد این شد که مسوولان در آستانه انفجار اجتماعی و با همان بی‌منطقی قبلی اقدام به توقف سیاست‌های تعدیل نمودند. شما را به خدا نگذارید این ملت مجدداً آرموده‌ها را بیاموزد. امید آن که همه ما به تدریج اخلاقیات نقد و اخلاقیات پاسخ‌گویی را شناخته و رعایت نماییم و باور کنیم که اولاً دست در دست یکدیگر و با کمک‌گرفتن از همگان، عملکردی بهتر خواهیم داشت و ثانیاً در همه حال مصالح ملی بر هر نوع مصلحت پایین‌تر از آن اولویت و ترجیح دارد.